

انقلاب اکتبر خلق چین

در تاریخ انقلابات جهانی، انقلاب اکتبر خلق چین رویداد تاریخی عظیمی است که بر روند تکامل جامعه بشر در نیمه دوم قرن حاضر تأثیر بسیار بزرگی برجای گذاشته است. تکامل این انقلاب از آغاز تاسیس کمیونسیم در چین در سال ۱۹۱۹ تا به پیروزی نهایی آن در سال ۱۹۴۹ میلادی، در طول تاریخ ساختن سوسیالیسم با خطوط برجسته ثبت خواهد شد. انقلاب خلق چین، که در اکتبر ۱۹۴۹ میلادی به پیروزی رسید، تحولات شگرفی را در سراسر آموزشهای گرانمایه برای خلق جهانی است که راه آزادی و استقلال را برپایند و در پی آنند که خود را جسرهای همبسته از جنس ملی و طبقاتی برهانند.

غرض تظاهرات انقلاب اکتبر در روسیه، مارکسیسم-لنینیسم را برای خلق چین به ارضان آورد، خلقی که تحت ستم امپریالیسم های گوناگون قرار داشت و روابط نیمه فئودالی مانند کامیون پروری آن بستگی میکرد. اکنون انقلاب چین است که برای خلق های انقلابی اندیشه مائوتسه دون، یعنی مارکسیسم-لنینیسم دوران حاضر را به ارضان میآورد و به آنها نشان میدهد که انقلاب را از چه باید آغاز کرد، چگونه باید به ثمر رساند، چگونه باید پیروزیهای بدست آمده را حفظ و تحکیم کرد و چگونه امرای سوسیالیست را در خشان کند. انقلاب اکتبر خلق چین تبیین انطباق خلق و آفریننده مارکسیسم-لنینیسم بر شرایط مشخص جامعه چین است و راه روشنی است که آن نیز در همین است. مارکسیسم-لنینیسم آنطور که برخی می پندارند مجموعه ای از احکام و نصوص مرده و بیجان نیست که کما کفی است آنها را در آثار بزرگان مارکسیسم یافت تا بتوان هر معضلی را منجلی گردانید. کسی که چنین بپندیشد مارکسیسم نیست و بلکه رفیق مائوتسه دون ضد مارکسیست است. رفیق مائو برای آنکه انقلاب را به سر منزل مقصود برساند با کتاب پرستی و دکامیسم در افتاد و آنرا درهم گوید. تئوری انطباق خلق مارکسیسم-لنینیسم تکامل دانش پرولتری است. انقلاب اکتبر بطور چنین تکاملی است چه در دوران قبل از پیروزی انقلاب و چه در دوران ساختن سوسیالیسم.

روشنی های شوروی پیوسته تجربیات خود را برح میگذارد، به کشورهای دیگر الگوی شوروی را عرضه میدارند. انقلاب خلق چین الگو و الگوسازی را در هم شکست و خلافت و آفرینندگی را به مارکسیسم-لنینیسم بازگردانید. فقط سوسیالیسم میتواند چین را نجات دهد و سوسیالیسم چین را رهائی بخشد، جمهوری تودهای چین از کشورهای پستی به امپریالیسم با مناسبات تولیدی گهنة و پوسیده به کشوری شرقی با مناسبات تولیدی سوسیالیستی، با علم و تکنیک پیشرفته، با اقتصاد پر شکوفان تبدیل گردید، اقتصاد متعادل، پررونق که نه بحران می شناسد، نه تورم و نه بیکاری. جمهوری تودهای چین طرف اندکی بیش از یک ربع قرن به عقب ماندگی قرون خود پایان داد و اکنون در رتبه پیش افتاده ترین کشورهای جهان است. اخیر جمهوری تودهای چین هفتین ماهواره خود را بدور کره ارض گردش در آورده است و همه گنمیداند که فرستادن اقبار به کره زمین مستلزم دانش و تکنیک مدرن است، مستلزم دست یافتن به صنایع پیش افتاده در تمام زمینه ها است.

دانشگاه های شگرفت جمهوری تودهای چین در زمینه های صنعت، کشاورزی، علم و فرهنگ و هنر طرف مدتی کوتاه، تئوری نظام سوسیالیستی است که ضد هائیلین خلق چین را در شرایط مالکیت اجتماعی بر وسائل تولید و اقتصاد طبق نقشه بسوی تکامل سریع جامعه سوق میدهند. نظام سوسیالیستی با رد وجود جمهوری تودهای چین برتری خود را بر نظام سرمایه داری به اثبات رسانید. است. تجربه انقلاب چین همه حلقهای انقلابی مائو و کرامهائی آنها از منطقی و طبقاتی، از فقر و عقب ماندگی در نظام سوسیالیستی است. خلق چین خود در گذشته زیر سیطره امپریالیسم و فئودالیسم قرار داشت. کشوری بود کم رشد و عقب مانده. از اینجهت شقات و مصائب و مشکلات خلق ها و کشورهای که را که اکنون به چنین سر نوشتی گرفتارند احساس میکنند، با آنها پیوند عمیق دارد به آنها یاری میرساند تا بر مشکلات فائق آیند. کمکهای برادرانه و بی شائبه جمهوری تودهای چین به خلقها و کشورهای کم رشد نشانده احساس عمیق انترناسیونالیسم پرولتری است. چین سوسیالیست برای خلق های انقلابی در لیل زندگانی است بر اینکه پیروزی آنها تنها ممکن بلکه مسلم است، دلیل زندگانی است بر اینکه خلق چنانچه در برابر استوار و مشکلات پایستد و بر پیروزی خوش تکیه زند دشمن را از دست باز نشاند و به دشمن خیال اضرانند هد، پیروزی و کامیابی از آن اوت خواهد بود.

خلق چین طی رزم کمانیهای در خشان و دستاوردهای فراوان گیتی سالهای پیش از پیروزی نصیب یافته، هنوز از دستور ز دشمنان و اخلای و خرابی در امان نیست. در تریون کشور هنوز مبارزه طبقاتی با شدت از آنجا ادامه دارد. مبارزه علیه رینوئیسم، طبقه کارگر گت به جامعه گت، به خاطر حفظ و بسط دستاوردهای انقلاب در مقیاس تمام خلق همچنان دشمنان دشمنان است. این مبارزه هنوز طولانی است و فاعه گامان در راه خواهد یافت. ضمن این مبارزه طبقه کارگر و یگانگی خود را مستحکم می بخشد و رهبری خود را از رتبه گت برقرار میسازد و تولید را به پیش میراند. کارگران و دهقانان چین این سخن رفیق مائوتسه دون را پیشینه خود نمیدانند: «انقلاب اکتبر و تولید را به پیش رفتن». طی ده سال گذشته یعنی از آغاز انقلاب کبیر فرهنگی پرولتاریائی تولید در تمام زمینه ها، توانها علم و تکنیک، هنر و ادبیات به قدر ارجح حالتی ارتقا یافته اند. کارگران و دهقانان چین

احیاء حزب طبقه کارگر مقدمترین وظیفه کمونیست ها

روشنی و نیمه که بخش بزرگی از جنبش کمونیستی را در کام خود فروزد، طبقه کارگر ایران را نیز از حزب سیاسی خوشحوروم کرد انید. و این یگانه تئوری تلخ خیانت با رآن نبود، در نظرتیون جنبش کمونیستی در سراسر سوسیالیسم، گمراهی و سردرگمی عمیقی بوجود آورده و جنبش های آزادیخواه را گمراه و سردرگم کرده است. طبقه کارگر که بزرگام بود، از رتبه و مبارزه را در پیروای حزب لیسان طبقه کارگر امد هند و به گمراه و بیراهه برد. با کمال تاسف باید گفت که هنوز هم پس از سالها محبت و ایجاد له گروههای به اهمیت وجود حزب طبقه کارگر و جنبش آن بی بهره ماند و هنوز هم فعالیت انقلابی آنها بر راه در ریت نیفتاد و شکست تریونکده است. این کج روییها را حیا مارکسیسم-لنینیسم خلاق و بحساب انطباق خلاق در انترناسیونالیسم پرولتری ایران میگردد راند. خلافت مارکسیسم-لنینیسم در رفیق یاد و افتادن اصول و احکام عام آن نیست، خلافت مارکسیسم-لنینیسم بمعنی تعویض آن با انحرافات نظیر کاستریسم یا نظائر آن نیست. خلافت مارکسیسم در انطباق صحیح اصول و احکام آن بر شرایط مشخص ایران است و انطباق صحیح مارکسیسم-لنینیسم بر شرایط ایران قبل از هر چیز مستلزم وجود حزب طبقه کارگر است. حزب طبقه کارگر را به هیچ عنوانی نمیتوان تقی کرد یا کوشش برای احیا آنرا متعویق انداخت. مبارزه علیه رژیم ایران قبل از هر چه یک مبارزه سیاسی است و مبارزه سیاسی با وجود حزب طبقه کارگر مملوزه دارد. حزب ابزار مبارزه سیاسی است.

ما از کارگران نگه خسته نشویم که مبارزه انقلابی در تمام اشکال آن، و مبارزه مسلح، ادامه سیالیت به شکل دیگری است. از هر چیز زندها، روزه سیاسی است و مبارزه اندامی است که گتستد بتواند واقعیت موجود را به یک مجموعه واحد بر نظر گرداند و راه نجات یابد و برای کارگر و دهقان را یاری کند، در هر جا و هر وقت که مبارزه را در هر شکلی از آن نگاه داشته (باشد) به روشنی بزرگ کند و بدین ترتیب گام به گام مبارزه را با موفقیت به پیش برد. ناگفته نماند که تلفات را به اقل تخفیف دهد. بدین چنین ستادی مبارزه از صورت خرد نگاری برین نخواهد آمد و در سراسر صحیح نخواهد افتاد. البته در شرایط ایران، در شرایط خنیا و اجتماعی خلقی العاد کار احیاء حزب طبقه کارگر گامان نیست. در چنین شرایطی از شیره های سازماندهی، طایف کاری ساخته نیست. باید به جنبش مبارزه را به وجود پیرو، های فنی یافت. شیوه های نوین سازماندهی شیوه های نوین تعاریف و ها، شیوه های نوین رهبری مبارزات آنها. مشکل اساسی درست دریافتن این شیوه های نوین و در بکار بردن آنها است. در راه گتدن این مشکل ضرورت باری، سرخوردن از ناگامی، دقت و هوشیاری از ضروریات است. کتاب وی تالی جز بیان و کج رویی مبارزه را در این مشکل بدون شک گتستد است و احیاء حزب طبقه کارگر را تلاش کمونیستهای انقلابی امری مستلزم احیاء حزب طبقه کارگر بر حله، یعنی در تاریخ جنبش کارگری در ایران رژیم کودتا است، مرحله ای که به دوران خود روش مبارزه پایان می بخشد و به آن خصلت بقیه رصفه ۳

رژیم دموکراتیک توده ای جای رژیم پیدادگر کودتا را خواهد گرفت

سراب « تمدن بزرگ »

پنجاه سال حیات و دو دهان پهلوی وضع ایران را به روشنگری کامل کشانده است، روشنگری در تمام زمینه ها، در تمام شئون اجتماعی، در کشاورزی، در صنایع، در فرهنگ، در اخلاقیات و در سیاست خارجی. چنین خرابی و پوختنی طی دوران پنجاه ساله هرگز سابقه نداشته است. البته وقتی کشوری در گت رتبه نفوذ امپریالیسم افتاد، وقتی امپریالیسم امکان یافت که با استفاده از مساعدترین شرایط، به بهترین وجه در شئون اجتماعی کشوری رخنه کند و وضعی به از این نمیتوان انتظار داشت.

در تاریخ پنجاه ساله دو دهان تنگین پهلوی کودتای ۲۸ مرداد نقطه عطفی در زندگی کشوری ماست. امپریالیسم آمریکائی که در توده های طبیعی، بوزنه نفت و به موقعیت استراتژیک مهم ایران چشم دوخته بود با صرف طیفونها و لاریها دست عمال ایرانی خود که زمام امور کشوری را به دست آنها سپرد، سلطه خود را بر ایران برقرار ساخت و از آن پس دامنه بقیه رصفه ۲

تبریک به حزب کمونیست (مارکسیست-لنینیست) ایتالیا

بکمیته مرکزی حزب کمونیست (مارکسیست-لنینیست) ایتالیا
رفقای گرامی

اجازه دهید همین سال احیاء حزب کمونیست (مارکسیست-لنینیست) ایتالیا را به شما رفقای گرامی و از طریق شعبه های حزب شما صمیمانه و برادرانه شاد باشم بگویم.

احیاء حزب کمونیست (مارکسیست-لنینیست) ایتالیا، در شرایطی که حزب کمونیست ایتالیا از طبقه کارگر روی گردانیده و به آرمانهای طبقه کارگر خیانت ورزیده است، برای پرولتاریائی ایتالیا یک واقعه بیاهمیت و تاریخی است. حزب کمونیست (مارکسیست-لنینیست) ایتالیا طی ده سال گذشته، در روشنی و نیمه ملی و بین المللی، در دفاع از مارکسیسم-لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری، در بسج و متشکل ساختن پرولتاریا و توده های زحمتکش ایتالیا به خاطر مبارزه با دشمنان در مبارزه ارتجاع و امپریالیسم بوزنه امپریالیسم آمریکا و سوسیالیسم امپریالیسم روس، در دفاع از مبارزات خلقهای انقلابی و لاریها در تریون به ساختن حزب طبقه کارگر کامیابهای فراوان و در خشان بدست آورد است. موفقیت های شما موفقیت های همه جنبش مارکسیستی-لنینیستی است و لذت نمیتواند مایه خرسندی همه مارکسیست-لنینیست ها و از آنجمله همه اعضای سازمان شما نباشد. ما یقین داریم که حزب کمونیست (مارکسیست-لنینیست) ایتالیا در آینده نیز مانند گذشته با راه مائو، خلقی مارکسیستی-لنینیستی خود، به موفقیت های تازه و در خشانتری نائل خواهد آمد، پرولتاریا و توده های زحمتکش ایتالیا را از زیر نفوذ رژیم کودتا بد رخواهد آورد، متشکل خواهد ساخت و گام به گام بسوی پیروزی رهنمون خواهد گردید. ما از صمیم قلب چنین پیروزی خالی را برای شما در قاف آرزو مییم.

رفقای گرامی

تأریمان ما از همان روزهای نخست تاسیس خود و در شرایطی بسیار دشوار همیشه از تک های بی دریغ و برادرانه شما برخوردار بوده است. انتظار داریم از این فرصت استفاده کرده ببار دیگر از اعضای که تا آبراز داشته اید و از تک های برادرانه ای که هرگز از ما دریغ نداشته اید و اکنون نیز تریون نمیدارید از شما صیقا و صمیمانه سپاسگزاری کنیم.

موفق باد حزب کمونیست (مارکسیست-لنینیست) ایتالیا! افراتشهاد بر چه مارکسیسم-لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری سازمان مارکسیستی-لنینیستی توفان

سازمان مارکسیستی-لنینیستی توفان

انقلاب اکبر... بقیه از صفحه ۱

مادی برای آنها مذهبی ند آرد. در چین بودهای تولید بخاطر پیشرفت انقلاب است نه تنها در مقیاس جهانی تولید بخاطر پول و سود و توجه به منفی مادی و ناگزیر از سرمایه داری سردرما و در چنانکه در شوروی سردر آورد.

احیا سرمایه داری در شوروی و دیگر کشورهای ریز و پستی اردوی سوسیالیسم را برهم زد. اما سوسیالیسم در وجود چین توفیق و آلبانی بود و مستحکم انقلاب و سوسیالیسم و دیگر کشورهای سوسیالیستی برجای ماند. و با تجربه اندوزی از تجارب منفی شوروی راه خود را به پیش ادامه خواهد برد. وجود کشورهای سوسیالیستی که جمهوری تودهای چین ریزنده ترین و پیشینان و یاور آنها است واقعیتی انکار ناپذیر است. خلق های انقلابی آینده خود را بر این واقعیت می بینند و آنرا ستاره راهنمای خود قرار میدهند. خلق چین با سرسیدن اکثریت سال دیگر ایشیت سوسیالیست است. مالی سوشال از مبارزه علیه ریز و پستی و بازگشت به سرمایه داری در چین حال آسانی بشخص از موفقیت ها. خلق چین اول اکثریت موفقیت های خود را در تمام زمینه ها و از آنجمله در تکلیف دیگانه های پرولتاریا جشن خواهد گرفت و خلق های انقلابی نیز در این جشن و شادی با وی شریک خواهند بود.

شراب... بقیه از صفحه ۱
تغیر خود را در ایران
داد و ستادی کرد. شاه و دولتهائی که از آن پس سرکار آمدند
فقط وسیله ای بودند برای آنکه به سلطه امپریالیسم اشکال قانونی
بدهند و مصیبت عظمی را که بر سر مردم ما وارد آمد و راهی بسوی
تعدن بزرگ بنمایانند.

این "تعدن بزرگ" اکنون در برابر چشم ما است و تعدنی که
برای ما اقتصاد گدشته است و نه فرهنگ. اقتصاد کشور ما بدست
امپریالیسم بلکی ریزان گردیده، زبان و فرهنگ ما پایمال زبان
و فرهنگ بیگانه شده است. مکتبی بیگانه در آموزش در بزرگ
خود و بیگانه از فطرت طبیعی و دستخوش مردم شریفی
افسانهای بهم زبانه میزنند؛ در قطب فقر و ثروت هر روز بسا
قوت بیشتری چشم میخورد. وضع کشور ما در تمام زمینه ها نوحه
یک کشور استعمارزده است.

این شرکت ها در صورت موفقیت نه تنها خرد مالکی
را در زمین خود شرکت از میان میبرد بلکه میتواند خرد مالکان سایر مناطق مجاور را نیز به شرکتی بکشد و آنها را در دام
گسترده امپریالیستهای رنگارنگ بیاندازد. امپریالیسم به زمین های آنها و به نیروی کار آنها احتیاج فراوانی داشت. ایجاد بزرگ
مالکی امپریالیستی اکنون مضمون کلی فعالیت های امپریالیسم در تمام شاخه های اقتصادی ایران است.

ایجاد شرکت های سهامی زمینی بازار وسیعی برای "حقیقه" کردن ماشین آلات کشاورزی و کالا های امپریالیستی فراهم
آورد. "حقیقه" در اینجا کلمه بجای نیست، برای اینکه در اینگونه شرکتها بدون هیچگونه ضرورتی مدرنترین و گرانقیمت ترین و
اختصاصی ترین ماشین آلات کشاورزی مشغول استراحت اند! گاه میشود که سالها در از این ماشین ها استفاده نشود و در
صورت استفاده هم تقریباً شدن یک بیج و بهره بایستی هفته ها و ماهها بخواهند تا شخصین عالی مقام کفایتی مربوطه با صرف هزینه
های گزافی با کلی بزرگان و از راه برسد و ماشین را برآورد بیاندازند. بعضی از این ماشین ها از این جهت که گران قیمت و در دست
آند و تخصصی است که حتی در وسیع ترین کشورهای خود آمریکا هم از آنها استفاده نشود. بقول یکی از مهندسان شافل در یکی
از این شرکتها "بناظر خرید که این ماشین آلات یا کاملاً بجزل و در خود آمریکا بلا استفاده ماند و یا آنکه کفایتی های مانکی آنها را اختصاصاً
و سفارشی برای ایران میسازند! و حقیقت هم از این بد حال خارج نیست. ورود این ماشینها از موازین گمرکی صحت است - تو خود حدیث
مفصل بخوان از این جهت. و چنین است که روستائیان به بکار خود را در انواع و اقسام کالا های امپریالیستی خرید می بینند.

ایجاد شرکت های سهامی زمینی مابقی زمینها و نواح و اقسام عناصر و کرات و نهاد های مختلف به مرکزیت در لفا "حقیقه" شد ما
در روزها با هم بیشتر از پیش فراهم گردید.

بنا به این احوال، با همه تبلیغات کاذب و مزورانه رژیم کودتار در داخل و خارج به منظور "مقرانه" جلوه دادن این شرکتها توطئه کثیف
امپریالیسم اینبار هم نقش بر آب شد و توده های وسیع و عظیمی با مقاومت خود پیش از پیش مایهت رد یلان. این طرح را نشان دادند
۱- تاکنون در تمام مناطقی که این شرکت ها در شرف استقرار بوده اند، ایجاد آنها با مقاومت شدید توده های دهقانی
پوز و دهقانان فقیر مواجه شده است. در هیچ مورد مشاهده نکردیم که دهقانان خود بخواهند میل خود خواستار ایجاد چنین شرکتها
شده باشند. در بسیاری نقاط دولت قصد ایجاد چنین شرکتها را داشته ولی به علت مقاومت دهقانان و وادار به عقب نشینی زورده
است. این نه به معنای آنست که دهقانان فقیر از وضع کنونی خود راضی اند - به هیچ وجه - ولی همین دهقانان بیچاره خراب و کزینده
که سرتاپا در جنگل و باغ و رحل و انواع و اقسام بانکها و غیره گرفتارند و میدانند که ایجاد این شرکتها از چاله به چاله می افتند و آنها را در
حقیقت میخواستند در رحل ثابت گردانند که میخواستند ریزه خوار حکومت بشوند. بقول یکی از همین دهقانان "شرکت که آمد و دیگر زمین من زمین
باید یک مریخ نوکی و ولت را هم بگردانند. اشتها منم از آن بد تیویغ نوکی چند تا نوکی بوزارم و روان رسیدم برا هم کردن نه اشتها عمیم". زمین
۲- تا آنجا که ما میدانیم تمام این شرکتها در تمام سالیانی که مشغول بکار میمانند و با وجود تمام امکاناتی که دولت در اختیار
قرار میدهد و امپریالیسم زیر پرچم ایشان را میگرد، همگی در آغوش سال سودی که نداشته اند هیچ و در چار کسری هم بوده اند. علت این
امر را از بد در حال یکی از شرکت ها می پرسیم میگوید "کارگرا تپیل و بیجانند. معلوم نیست چه مرکشان است که دل و دماغ کار
کردن ندارند. اگر اینها یکسال خوب کار کنند و در کارها خرابکاری نکنند، شرکت بهیشت میشود". بد در حال دیگر یک مورد درست میگوید
و آنهم اینکه کارگران واقعاً برای شرکت کار نمیکنند، وقتی گاه خرابکاری هم میکنند. کارگران علاوه بر کند کاری معمولاً تجریبات و
ابتکاری را که در کشاورزی دارند بچنان میدارند که گاه در برتر و گاه در بدتر از موقع آنها را میکنند. جنگل کار به حفرات و ثروت در تمام
وجود شان موج میزند. یکی از مهندسان شافل در این شرکتها میگفت "کارگران شرکت همه معتقد اند که ما سازمان اخشی هستیم
و بهمان اندازه هم از ما نفرت میاورند و مثل جنده ای ها از ما فرار میکنند".

و چنین است که شرکت های سهامی زمینی در حقیقت بصورت "زوائد" سرمایه داری امپریالیستی در آمده اند که اگر افسوسناکانه
بآنها تزیین نشود، همین باد کلبه می ترکند و همین همان باد کلبه هائی که بنام "کیوتون" و "کیوتون" و "کویتون" توسط سرمایه داری تمام
عبار امپریالیسم بلکی شکر داری میشوند.

تعیین و میل و سر زده های کلانی که توسط مدیران عامل و هیأت مدیره شرکت میشود نیز علت دیگر و شگفتگی ناامنی این شرکت ها است
این البته یک واقعیت عام است و تازگی به تشریح ندارد. بهمان اندازه که در شرکتی تمام واحدهای با اطلاع تولیدی و انتظامی
گد و لتی با او بسته بد ولت یک واقعیت عام است و تازگی به تشریح ندارد.

و در میان، بود که جماعتی را که امپریالیسم بلکی و نوکران ریز و پستی خودشان پانین آمد مخلق ایران و
بوز و دهقانان ما همسایر تر از آن بودند که از اینها نیز کولی توطئه های رژیم و سواسترازان که در یک توطئه توطئه های پیاده کند
امپریالیسم بلکی در ایران و دیگر ککیش به تده یک خورده است و توطئه هایش به تده رسیده اند. امپریالیسم بلکی اگر میخواهد چشمت
صباحی دیگر منابع خلق ما را تاراج کند فقط یک راه دارد، آنهم اینست که "تکلیف" از زمین خوان بعمار برای لاشخوهای سوسیالیست
امپریالیسم برتاب کند و هر چند نمیتواند عظیمی باشد که با شریکی منصف رو بخواد بود، چون سوسیال امپریالیسم سرمایه داری
امپریالیستی حرامزاده های است که حتی گاهی به موازین و اصول معارف امپریالیستی هم پشت میکنند.

استقرار این شرکتها در ایران اکنون یک واقعیت است، اینکه امپریالیسم میتواند با ایجاد این شرکتها به پارامیتر از منافع خود
دست یابد نیز واقعیتی است... اما واقعیت مهم تر آنست که در این شرکتها بتدریج طبقه پرولتاریای کشاورزی و محلی میشود که بسا
کارشترک و تولید مشترک رشد آگاهی طبقاتی اش نسبت به دهقانان برانگیزد و چندان خواهد بود. اینها بعد ها به کانون های
انقلابی تبدیل خواهند شد و همین جاست که امپریالیسم با تمام تجریبات ضد انقلابی اش "گور خود را با دستا خود میکند" در این
کانون ها کارگرائی پرورد خواهد شد که جز در بازی کار خود چیزی ندارند که از دست به دهند. این درست همان چیز است که
امپریالیسم و سوسیال امپریالیسم از درک آن عاجزاند.

پرولتاریا انقلاب خلق ایران! جاودان باد اتحاد کارگران و دهقانان ایران!
سرنوشت باد امپریالیسم و سوسیال امپریالیسم! سرنوشت باد رژیم مغفیر کودتا!

بقیه از صفحه ۲
شاه از همان آغاز "اصلاحات" ارضی زمین اجرای سیاست
امپریالیسم آمریکا، نقش آرمشکار امپریالیسم را در ایران نیز برعهده
گرفت و اکنون با دروغ و تبلیغات میگوید واقعیت بیچاره موجودی
که معلول رژیم کودتا است و در کون جلوه دهد.

شاه از یکجور برای آنچه که نیست تبلیغ میکند و میگوید از
نیست هیبت بنیاز او تبلیغ میکند برای آنکه مردم به قوت تپیل
خود میدان دهند و چیزهایی را که در عالم واقع نیست در عالم
خیال به بینند و او میخواهد با حرف مردم بقول آنکه همیشه
چیز در حال پیشرفت است، او واقعیت موجود را که همه شاهد
رکود و رسیدگی آنند شکوفان و پرورشی جلوه دهد.

شاه تبلیغ میکند که کشور سوخت راپشت بر گدشته است
و راهی که دیگران طی قرنهای بود ماند او "مکتب نرفته و خط
ننوشته" فقط ظرف چند سال پیورده است. شاه دروغ میگوید و
با بیجائی چشم در چشم مخاطب میدوزد و دروغ میگوید و سیاه
دروغ میگوید از کسری پریشان و بیامان عقب مانده و استعمار
زده کسری شکوفان، پیشرفته و مستقل بنیاز و شکست انگیز آن
که با پرورش دولتهای دیگر سرزنش میکند که نمیتوانند وضع
کشور خود، موضع اقتصاد خود سرورستی بدهند. "مشکل اینجا
است که تقاضا دولتهای ناتوانی دارند که نمیتوانند در خانه خود
نظم برقرار کنند". راست است. آنها نه خود مانند شاه بصورت
آدمکشان حرفهای در آمد فایده و نه آدمکشان بقیه از صفحه ۳

بقیه از صفحه ۲
شاه از همان آغاز "اصلاحات" ارضی زمین اجرای سیاست
امپریالیسم آمریکا، نقش آرمشکار امپریالیسم را در ایران نیز برعهده
گرفت و اکنون با دروغ و تبلیغات میگوید واقعیت بیچاره موجودی
که معلول رژیم کودتا است و در کون جلوه دهد.

شاه از یکجور برای آنچه که نیست تبلیغ میکند و میگوید از
نیست هیبت بنیاز او تبلیغ میکند برای آنکه مردم به قوت تپیل
خود میدان دهند و چیزهایی را که در عالم واقع نیست در عالم
خیال به بینند و او میخواهد با حرف مردم بقول آنکه همیشه
چیز در حال پیشرفت است، او واقعیت موجود را که همه شاهد
رکود و رسیدگی آنند شکوفان و پرورشی جلوه دهد.

شاه تبلیغ میکند که کشور سوخت راپشت بر گدشته است
و راهی که دیگران طی قرنهای بود ماند او "مکتب نرفته و خط
ننوشته" فقط ظرف چند سال پیورده است. شاه دروغ میگوید و
با بیجائی چشم در چشم مخاطب میدوزد و دروغ میگوید و سیاه
دروغ میگوید از کسری پریشان و بیامان عقب مانده و استعمار
زده کسری شکوفان، پیشرفته و مستقل بنیاز و شکست انگیز آن
که با پرورش دولتهای دیگر سرزنش میکند که نمیتوانند وضع
کشور خود، موضع اقتصاد خود سرورستی بدهند. "مشکل اینجا
است که تقاضا دولتهای ناتوانی دارند که نمیتوانند در خانه خود
نظم برقرار کنند". راست است. آنها نه خود مانند شاه بصورت
آدمکشان حرفهای در آمد فایده و نه آدمکشان بقیه از صفحه ۳

بقیه از صفحه ۲
شاه از همان آغاز "اصلاحات" ارضی زمین اجرای سیاست
امپریالیسم آمریکا، نقش آرمشکار امپریالیسم را در ایران نیز برعهده
گرفت و اکنون با دروغ و تبلیغات میگوید واقعیت بیچاره موجودی
که معلول رژیم کودتا است و در کون جلوه دهد.

شاه از یکجور برای آنچه که نیست تبلیغ میکند و میگوید از
نیست هیبت بنیاز او تبلیغ میکند برای آنکه مردم به قوت تپیل
خود میدان دهند و چیزهایی را که در عالم واقع نیست در عالم
خیال به بینند و او میخواهد با حرف مردم بقول آنکه همیشه
چیز در حال پیشرفت است، او واقعیت موجود را که همه شاهد
رکود و رسیدگی آنند شکوفان و پرورشی جلوه دهد.

شاه تبلیغ میکند که کشور سوخت راپشت بر گدشته است
و راهی که دیگران طی قرنهای بود ماند او "مکتب نرفته و خط
ننوشته" فقط ظرف چند سال پیورده است. شاه دروغ میگوید و
با بیجائی چشم در چشم مخاطب میدوزد و دروغ میگوید و سیاه
دروغ میگوید از کسری پریشان و بیامان عقب مانده و استعمار
زده کسری شکوفان، پیشرفته و مستقل بنیاز و شکست انگیز آن
که با پرورش دولتهای دیگر سرزنش میکند که نمیتوانند وضع
کشور خود، موضع اقتصاد خود سرورستی بدهند. "مشکل اینجا
است که تقاضا دولتهای ناتوانی دارند که نمیتوانند در خانه خود
نظم برقرار کنند". راست است. آنها نه خود مانند شاه بصورت
آدمکشان حرفهای در آمد فایده و نه آدمکشان بقیه از صفحه ۳

احیا... بقماز صفحه ۱ مبارزه آگاه و پیشگامی
امروز علی رضی ادیبی پایه دارودسته "کمیته مرکزی" شریاری
مبارزه انقلابی وجود دارد که بصورت ناراضی شدید نمودهای
مردم و مبارزه آنها علیه رژیم کودتای ظاهر میگردد. آنچه که فقدان
آنچشم میخورد عامل ذهنی است. فقدان عامل ذهنی
فقدان حزب طبقه کارگر ایران، سالها است مبارزه توده های
مردم را بصورت مبارزه مایه برانگنده، غیرمتشکل و خودرودرآورد
است. تنها حزب طبقه کارگر - حزبی که واقعا شناخته شده این
نام باشد - میتواند به این دوران ناسامان پایان دهد و
مبارزه خلقهای ایران را در مسیر صحیح رهنمون شود.
سیاست حزب انقلابی طبقه کارگر باید بر اساس واقعیت

انتخاب در دوره... بقماز صفحه ۴
کروگداشت و با خواهرش و رضا از کارگران خواست از فردا کار آغاز کنند تا او وجود غیر قانونی بودن انتخاب و خواسته ها از کارفرما تصدیق کند باز
هم حقوق آنها را اضافه نماید. این حرفه نیز بدینسان ظاهر خواهد بود زیرا آنها در تورهایی حزب طبقه کارگراست که از جرفه شده بر بی خبری
نکاهی به مبارزات جمعی و خود بخودی گذشته کارگران معادن امیرآباد

۵۱/۶/۲۴ نامه کارگران به اداره کار - نماینده مارا از کارگاه اخراج کرده اند چنانچه او را تا ۵۱/۶/۲۸ بنگران بگردانند
انتخاب خواهیم کرد.

توضیح - انتخابات نماینده کارگران معادن امیرآباد در تاریخ ۵۱/۵/۱۹ برگزار و طی آن یک راننده بود روز که کارگری
صمیمی و صادقی و آشنا به قوانین کار بود به اتفاق آرا بعنوان نماینده اصلی برگزیده شد کارگر فوق العاده بودی نبودن دوست خوب
کارگران و مورد قبول عموم آنان بود.

در این انتخابات کارگری محلی که از بدو اکتشاف فلز در این منطقه غلام حلقه بگوش مالک بود و حتی یکی از تولهها به اسم
او نامگذاری شده بود با اکثریت کار بجهت کارگران تعیین با معدودی از اربابان نماینده طی ابدل انتخاب گردید.
نامبرده مورد نفرت عموم کارگران بود که او را جاسوس مالک می نامیدند. پس از انتخابات نماینده اصلی کشتیخاست و قبی از قوانین و مقررات
کار داشت بلافاصله با امکانات بی کمر خود خواستههای کارگران را بگوش مسئولان مربوطه میرسانید و از سوی دیگر اقدامات خود و دست انداز
خواسته های کارگران را توسط مسئولان امیرآباد کارگران در میان میگذاشت از اینرو همزمان با افزایش محبوبیت او میان کارگران خیم مسئولان
کارگاه هم افزون میشد و همینجهت دائما در صد آزار و انتقال آهنگ کارگاهی دیگر بودند.

۵۱/۸/۱۰ ارسال نامهای با اعضای کارگران به اداره کار منطقه - مفاد نامه حاکی از ناراضی شدید از مسئولان کارگاه
است که کارهای شاق و خطرناک را به کارگران ناراضی محوله میکنند و با این کار در صدد خفه ساختن ناراضی کارگران بحساب
خود در نطفه هستند. کارگران صریحا نوشته اند در صورت عدم رسیدگی به خواسته های مشرومان انتخاب خواهیم کرد. در این
نامه تشکیل سندیکای نیز درخواست شده است.

۵۱/۱۰/۴ - اخطار حضوری نماینده اصلی به رئیس اداره کار - چنانچه خواسته های کارگران فوراً برآورده نشود آنان در
به اعتصاب خواهند زد.

۵۱/۱۰/۱۱ - اعتراض جمعی کارگران به نحوه حضور و غیاب - گزارش اداره کار محل به ساواک وزارت
کار مبنی بر آماده شدن کارگران برای اعتصاب. ۵۲/۵/۴ نامه کارگران به اداره کار سه ماه است که کار نماینده خود خبرند ابرام
۵۲/۵/۹ الصاق متن استعفا نماینده اصلی در تابلو اعلانات کارگاه.

توضیح - در تاریخ ۵۲/۳/۶ بر اثر فشارهای همگانه نماینده اصلی کارگران را وا از عضویت استعفا می نمایند. برای توجیه
این استعفا مسئولان امورس هزار تومان برای او خسارت اخراج از کارفرما میگردانند بنویسند از یکسو او را تطیع و از طرف دیگر
کارگران را نسبت بغاو بدین نمایند. متن استعفا را با کلمات - با تقاضای شخصی و به علت گرفتاری خانوادگی به او بیکه میکنند، ناگفته
نماند که در تمام این جریان رئیس اداره کار بنا بر ماهیت ارتجایی خود و توصیه مستقیم وزیر کار ششمین سی چون و چرا کارفرما بود و
مقامات ساواک و انتظامی نیز شکی در مانع ورود نماینده اصلی کارگران به محل کارگاه و حتی اقامت او در شهرهای مجاور نمیدانند.

۵۲/۶/۳۱ - اعتصاب در روز کارگران - غروب روز اول نمایندگان اداره کار، استانداری، ساواک و فرمانده واند اوری
بخش همراه کامیونهای سازمان حمل کارگاه حاضر شدند محاصره کارگران، ارتباط و تهدید را با برانده و نمود چاشنی کرده و کارگران ضمن
ایزاز ناراضی شدید از رفتار مسئولان کارگاه با اصرار خواستار بازگردانیدن نماینده خود میشوند و استعفا محلی او را
نمی پذیرند. قسمتی از گزارش نماینده استانداری مینانند میشود: در ساعت ۷ صبح ۵۲/۷/۲ در اجتماع... نفری کارگاه حضور یافتیم
ضمن تبادل نظر با ایشان نماینده کارگران آنها را تشویق به ادامه کار نمودیم... ششصد نفر کارگرین واحد بعزت آشنایی به قوانین
کار برای رفاه بیشتر حال خود در تلاش میباشند و لازم است از طرف اداره کار امور اجتماعی حد اقل یکبار در راه برای آگاهی بیشتر و
آشنایی بدین صحیح کارگران به مسائل کارگری نمایندگان به این کارگاه اعزام و با تشریح قانون کار در جهت خواستههای مشروع آنها
اقدام نمایند. حداقل دستمزدهای کارگران به هشتاد ریال افزایش یافته ولی کارگران با سابقه که در زمان افزایش حقوق هشتاد ریال میگرفتند
اند دستمزدها ثابت باقی مانده است، این رجهت از کارگران تقاضای افزایش دستمزدها را دارند کارگری دیدم باهشت
بچه و ده سال سابقه کار با دستمزدهای روزانه... بی ریال شایسته است ده ریال به حقوق ایشان اضافه کنند. به نظر اینجانب این گفته سرهنگ
فرخی نماینده اعزامی کارفرما که (با ماهیتی تعدادی از کارگران شمره را برای عبرت دیگران اخراج نمود و با کارفرمانا که بر است کارمندی
را تعطیل نماید) خشونت مسئولان شرکت را نشان میدهد. محیط کارگاه خشک و بیروح است، نصب سه دستگاه تلویزیون در نقاط
مختلف برای سرگرمی کارگران لازم بنظر میرسد. در حدود سه هزار کارگر و خانواده ایشان در کارگاه زندگی میکنند که بعزت بعد
مسافت و عدم امکانات به پزشک دسترسی ندارند. کارگاه هم ظاهرا پزشک و نرس میباشند. این است قسمتی از فرمایشات اصلاح -
طلبانه نماینده استانداری بنابه روایت شخص فوق الذکر، اقداماتی که باید صورت میگرفت عبارت بودند از: ۱- قرار شد بجای توزیع
آب بوسیله تانکر و شیر آب برداشت عمومی نصب شود. ۲- حمام بائین سه روز در هفته روشن و برای کارگران آماده شود. ۳ -
سندیکای کارگران تشکیل گردد، ۴- در صورت امکان مسکن کارگران افزایش یابد، ۵- استاد کاران و سرپرستان با کارگران خوش رفتاری
نمایند. با این قول و قرارها که عملا همه آنها روی گفته باقی مانده خواسته اصلی کارگران یعنی بازگشت نماینده اصلی کارگاه مقرر گردید
۵۲/۳/۲۵ - اعتصاب در روز کارگران - مدیر کارگاه گزارش میدهد: در روز ساعت ۲ بعد از ظهر کارگران از ادای بویاری شنیده
اند که بدستور شاهنشاهی باید معادل یکماه حقوق از سود ویژه به کارگران پرداخت شود از اینرو کارگران از تارگری کامیونهای خود را در خروجی
و حاضر به کار کردن نمیباشند. با زهم عوامل ساواک، اداره کار، نیروی انتظامی روانه کارگاه میشوند و صرهما نیز رئیس اداره کار میگوید
چون شما کارگر معدن هستید نه تولیدی معمول فرمایشات اعلیحضرت نمیشود، بدینحال این اعتصاب کارفرما و نفرا اخراج و شائزده
نفرا بعنوان محرک به ساواک معرفی می نمایند، ظاهرا مسئله فروکش نموده و این بار هم اعتصاب سرکوب میشود تاریخ چهارم اردیبهشت
سال جاری که خبرهای دیگر بارور میگردد ولی اینبار نیز بعزت فقدان رهبری خاموش گشته و خاکستر میشود. ما میدانیم که توده ها و مبارزات
طبقاتی خود بدینحال شکست با زهم شکست بالآخره به پیروزی دست خواهند یافت. با اکثریت نفوذ حزب طبقه کارگر به
تمام واحد های کارگری، به تمامی روستاها، انقلاب ظفرنون طبقه کارگر ایران همانند ستمدراز خاکستر خود پدید خواهد شد.

عنوان: مکاتبات
X. DR. GIOVANNA GRONDA
87.030 ARCAVA CATA (CS) ITALY

آب بانکی
X. DR. GIOVANNA GRONDA
CONTO: 17.679741
CREDITO ITALIANO AGENZIA 16
MILANO ITALY

موجود تدوین و به صورت اجزای گاه آورده شود و در تدوین سیاست
هیچگونه خیالمانی جایز نیست. واقعیت اینست که رژیم کونسی
عامل انقیاد خلقهای ایران است، عاملی است که با ابطال فشار
و تیره پمانندی شریانیهای حیاتی کشور ما را به امیرالمومنین و به زده
امیرالمومنین آمیرالمومنین رسانده است. اگرچه شاه برای حفظ رژیم خود
هیچ امیرالمومنی را و از آنچه سوسیال امیرالمومنین شوروی واقعا
آترانیز از خون بیغای شریانیهای همین مایه نصب نگارده است -
دولت سوسیالیست المل با آنکه رسوائی ساواک را در کشور خودش میدهد
معدنک بزرگ سرپرستی دارد از اینمکانشان اینصان رات آنها را
لطفا در آید سوسیال امیرالمومنین بر کشور ما امیرالمومنین است.
امروز فقط سیاستی در جهت سرنگونی رژیم کودتای ایران بدان
کارگاه ریش خود را
کارگاه ریش خود را

سراب... بقماز صفحه ۲
و مال و ناموس مردم سلطه ساخته اند.
شاه از سبوی بگرتا در امان نخواهد بود و همه میدهند و بالاخره
وده مایه های نخواهد بود برای چاشنی کوش هم سبیدی ایجاد
نمیکند. او ووده میدهند که ظرف چند سال چنین و چنان خواهد
کرد و کشور ایران چنین و چنان خواهد شد. بعد منقسی میشود
و ودهای زری خواهد ماند و حتی وضع بجای شرف و رفاه میسرود
آنگاه شاه شاهانه وده های تازی می میدهد.
بیش از ده سال پیش وده را در که بیسوانی طرفی به
سال از جامعه رخت بر میبندد. ده سال گذشت، بیسوانی
بجای آنکه ریشه کن شود دامنه یافت بر تعدد بیسوانی افزود
شد و این واقعیت چنین عربان است که در چشم خود او وخواهر
او نیز فریب خورد. حال وده ۱۲ سال دیگر آمدند. کسی که
در مای شرم و حیا ندارد و قاحت او هم حد و مرزی نمی شناسد.
اخیرا شاه تازموقعتی بدست آورد که از آینده ایران
حرف بزند. در مصاحبه با نماینده تلویزیون در امارک گفت:
اگر همه چیز مانند امروز شرف داشته باشد ظرف ۳ سال آینده تا
بهرحله ترقیات امروز اریا دست خواهیم یافت. به اریای امروزی
خواهیم رفاهی بی نظیر از یک نسل، میگردیم ۲۵ سال بعد تا یکی
از کشورهای توسعه یافته جهان خواهیم بود. همان روزی که
برجسته لاتی قرار خواهد گرفت (کیهان هوانی ۲۰ تیر ۱۳۵۰)

عنوان: مکاتبات
X. DR. GIOVANNA GRONDA
87.030 ARCAVA CATA (CS) ITALY

آب بانکی
X. DR. GIOVANNA GRONDA
CONTO: 17.679741
CREDITO ITALIANO AGENZIA 16
MILANO ITALY

سوسیال امپریالیسم شوروی را بشناسید و به مردم ایران بشناسانید!

درباره ماهیت شرکتهای سهامی زراعی

نقطه های مشترک امپریالیسم بانکی و بورژوازی جزیره خوارش نازیان منظور است هر چه بیشتر نیروهای طبیعی کشور را کشتن به طرح ریزی با صلاح - اصلاحات ارضی و انواع اقسام ملی کردن ها گردید ، یک سلسله اقدامات و توطئه های جنسی نیز همراه داشت که ما در این مقاله به یک نمونه از آن یعنی شرکتهای سهامی زراعی اشاره میکنیم .

- ۱- اصطلاح شرکتهای سهامی زراعی زائده های امپریالیستی هستند که در نقاط مختلف ایران بطور عمده توسط سرمایه دولتی رسا مدیسرت بورکراتیک ایجاد شده اند . امپریالیست ها توسط رژیم منقرود تا از ایجاد چنین شرکتهایی هدفهای زیر را دنبال میکردند :
 - ۱- تمرکز روستا نشینان برآکنده در یک نقطه بمنظور تحکیم مبنای کنترل آنها .
 - ۲- پروا کردن قشری از روستائیان بمنظور ایجاد قشر بورژوازی دهقانی ، با درحقیقت ایجاد قشر محافظ ضایع رژیم در روستا .
 - ۳- از میان برداشتن تولید کوچک خرد مالکی و تبدیل آن به مالکیت های بزرگ امپریالیستی .
 - ۴- ایجاد بازاری برای " حقیقه " کردن ماشین آلات و کالاها امپریالیستی .
 - ۵- فراهم آوردن تسهیلات بیشتر برای نفوذ عناصر بورکراتیک و نهادهای بورکراتیک در روستا .

اساس ایجاد شرکتهای سهامی زراعی را باستانی در تجربیات تلخ و ناگام امپریالیسم بانکی در برخورد با امواج وسیع و عریض انقلابی خلق های هند و چین - بوزیر ویتنام - جستجو کرد . در همان هنگام اوج گیری جنبه های انقلابی توده های ویتنام ، در هنگامی که امپریالیسم آفایش رو به افول بود و برای نجات خود به هر روشی و هر خیابانی دست میزد ، " سیا " این چماق کثیف امپریالیسم برای درهم کوبیدن جنبش های خلقی ویتنام آخرین تیر های خود را در ترکش نهاده ، پراکندگی روستائیان و پراکندگی روستاها و اوضاع حالت خفقان آمیزی برای ضد انقلاب بوجود آورده بود . یک شهر آشوب زد و راه آسانی میشود با چندین بمب ناپالم با خاک یکسان کرد ولی با هزاران دهکد میراث که هرگز ام یک کانون انقلابی بود چه میشد کرد ؟ " سیا " در آن هنگام برای کنترل دهقانان مبارز و انقلابی دست به ایجاد دهکده های بنام " دهکده های استراتژیک " زد . امپریالیسم بانکی با خود ش حساب میکرد که ایجاد صنایع و جنبش دهکده های با صد ها کارگاه هزاران خانوار دهقانی و اسکان آنها و تهیه حداقل امکانات رفاهی و خدمات البته مخارج زیادی در بر خواهد داشت ، اما چه باک ، چنین دهکده هایی هم راحتتر کنترل میشوند و چون محصور هستند راحت تر هم میشود در صورت ایجاد تاراجاتی با خاک یکسان شان کرد و از " سر " آنها راحت شد . ولی " سیا " فقط یک گوشه کوچک را ندیده بود " سیا " نمیدانست آنجا که خلق بلند میشود هیچ نیروی درجهان نمیتواند اثر آنرا بگذارد . تجربه انقلابی خلق ویتنام یکبار دیگر این واقعیت را نشان داد و چهیره کثیف و منحوس امپریالیسم باز هم بیش از پیش رسوا گردید و یکبار دیگر اثبات رسید که امپریالیسم با همه بوق و کرناش جز " بهرگفتی " چیز دیگری نیست . اما " سیا " از این تجربه زهر آگین پند گرفت و با اوج گیری جنبش خلقهای ایران پیش از موعد دست به توطئه زد . " سیا " میدانست که در پیروزی اینها و ایجاد صنایع مخصوص در منطقه " تونابها " ویتنام های دیگری جوانه خواهند زد . " سیا " بمنظور پیشگیری و عقب انداختن امر انقلاب خلقهای ایران با استفاده از تجربیات ناگام ویتنام برای از میان بردن پراکندگی روستاهای مانوطه های زیر را طرح ریزی برای اجراء به سگهای زنجیری اش سپرد :

- الف- ایجاد شهرک های روستایی ب- اسکان عشایر و قبایل ج- ایجاد شرکتهای سهامی زراعی
- بحث در زمینه چگونگی اسکان عشایر و قبایل و تصاحب جنگل ها و مراتع و معادن و غیره - و نیز چگونگی ایجاد شهرک های روستایی خود به مقاله دیگری احتیاج دارد .

هدف تمرکز روستائیان - بمنظور کنترل دقیق آنها از نظر امپریالیسم بانکی در حقیقت یک هدفی استراتژیک بود . ولی این هنوز تمام آن چیزهایی نبود که امپریالیسم میخواست . قصد دیگر امپریالیسم بانکی آن بود که نیروهای مستقر در روستا را قطعی کند و پایگاه طبقاتی رژیم را در روستا مستحکم سازد . و به همین دلیل بود که پس از ایجاد شرکتهای سهامی زراعی در مناطقی مورد عمل در وقت - یا بهتر بگوئیم در طبقه - روستایی شکل گرفت : ۱- بوزیرای روستایی ۲- پروتاریای کشاورزی

عواملی در تشکیل شرکتهای سهامی زراعی چنین است که دولت روستائیان چندین ده دور و نزدیک را " واحد " میکند که زمینهای خود را به " شرکت سهامی زراعی " واگذار نمایند . این دهقانان به نسبت زمینی که به شرکت واگذار کرده اند در شرکت سهامی شرکت خواهند بود و به نسبت سهام خود سود شرکت میان آنها تقسیم خواهد گردید . سهامداران میتوانند سهام خود را به دیگر اعضای شرکت بفروشند . اداره امور شرکت در دست هیأت مدیره است که از سهامداران خود شرکت انتخاب میشوند و مدیریت عامل شرکت را نیز معمولاً یکی از مهندسان با سابقه کشاورزی برعهده دارد که عموماً چندین مهندس و کارمند دیگر را در کار میکند . شرکت بنام دولت به ثبت میرسد . ظاهر شرکت هدف بسیار " موقرانه " را دنبال میکند . یعنی بالا بردن سطح تولید ، یکپارچه کردن زمین ها ، استفاده صحیح از نیروی کار و غیره - اینها آنچه هیأت مدیره که رژیم را تشکیل میدهد - اما به بنیاد در عمل چه شده است .

بنا بر شرکتهای سهامی زراعی بتدریج در میان اعضای شرکت در قشر ضایع بوجود میآید ، و این قشر بندی آمیخته اجتناب ناپذیر است . یک قشر دهقانی با بورژوازی روستایی یا کولاک ها که در حقیقت سهامداران عمده شرکت اند و از نظر کمی شاید از ۵ تا ۱۰ درصد اعضای شرکت تجاوز نکنند . اعضای هیأت مدیره با اصطلاح " انتخابی " عموماً از زمین سهامداران هستند و همین ها بنام استفاده از نفوذ خود همراهمان در مقابل مهندسان و مهندسان شرکت را تعیین میکنند . اینها علاوه بر آنکه " سهمیه " بیشتر در آمد شرکت را بخود اختصاص میدهند از تمام امکانات بورکراتیک شرکت نیز استفاده میکنند . در تمام محرومانی که چند سال پیش از طرف وزارت تعاون و امور روستاها به یکی از شرکتهای سهامی زراعی در منطقه عرب نوشته شده بود تا کد کرده بودند که خانه های شرکتی را که قرار است با بلوک وسعیا ساخته بشوند فقط در اختیار سهامدارانی قرار دهند که تعداد سهامشان از ... سهم تجاوز میکند - یعنی در حقیقت به همان قشر بورژوازی نخواست روستایی . این باجی است که رژیم به حامی خود در روستا میدهد . این طبقه از روستائیان پروا دارند در تمام زوایا و حریف و بیل های رایج در اینگونه شرکت ها شریک و سهم اند .

از سوی دیگر خیل عظیم روستائیان خانه خراب باقی میمانند که بین ۵ تا ۱۰ درصد اعضای شرکت را تشکیل میدهند و لایسی مقدس باشان جز کوچک جز سهام شرکت را تشکیل میدهند و در نتیجه از در آمد شرکت (اگر در آمدی باشد) نیز جز کوچک نصیب آنها میشود . اینگونه با اصطلاح سهامداران که مطلق هستند از سود نهایی شرکت هیچ چیز نصیب آنها نخواهد شد ، و با وجود آنکه مطلق هستند دیگر صاحب زمین نخواهند شد ولی بعزت دلیسنگی هزاران سالهای که به زمین و به کشاورزی دارند و نیز چون " مفر " دیگری برای تا مین معیشت خودند آرند لا جرم بصورت کارگران مزدور شرکت در میآیند و پروتاریای روستایی را تشکیل میدهند . اینها روزانه و ماهیانه از شرکت مزد میگیرند و این تنها و تنها چیزیست که از شرکت نصیب آنها میشود . اینها چون با اصطلاح روی زمین ها نمودشان کار میکنند مزدشان کمتر از مزد کارگران منطقه است و چون همیشه با کمبود دخل مواجه اند دست به امان سهامداران بزرگ شرکت میشوند . و آنها هم البته از پرداخت وام با بهره های کلان روگردان نیستند - گرفتن وام همان و واگذار سهام به سهامداران بزرگ همان - و بدینسان است که پس از چندی سهامداران کوچک دیگر " اسما " هم سهامدار نیستند و حقیقتاً جز در بازاری کارشان چیز دیگری ندارند . و نیز بدینسان است که سهامداران عمده بتدریج پروا دارند میشوند و به بورژوازی تمام قشر تبدیل میگرددند .

یکی از هدفهای مهم امپریالیسم جهانی - بوزیر و دوا بر قدرت - در ایران ، تبدیل این کشور به میدان تاخت و تاز انواع اقسام سرمایه های کلان در زمینه های مختلف است - تبدیل ایران به بیخیت سرمایه داران - مالکیت های کلان زمین ، مالکیت های کلان مرتع و مالکیت های کلان جنگل (سوی سایر مالکیت ها) این نوع مالکیت های امپریالیستی بهترین زمینه غارت منابع خلقهای ایران را فراهم میسازد . این نوع مالکیت امپریالیستی برای سلطه خود ، به زمین یکپارچه و جنگل یکپارچه احتیاج دارد و چون در چنین جهتی گام بر میدارد لا جرم به خیل عظیم خرد مالکان برخورد میکند . شرکتهای سهامی زراعی " خود نویی " وسیله ایجاد مالکیت های بزرگ بورکراتیک و نیز نویی زمینه دوران سازی خرد مالکی بود .

اعتصاب دوروزه کارگران معادن (فلز امیرآباد)

معادن امیرآباد با رگهای بسیاری فلز از ابتدای اکتشاف تاکنون بمنابه ملک مطلق یک سرمایه دار معروف بوده و بطرز بی وجهیانه غارت شده است . ششصد و پنجاه نفر کارگر معدنی این واحد هوار تحت سختترین شرایط اینی نهاد اشقی کار کرده ، در بین تونل ها و راه های قریانی در آن ، بیشترین تولید را در اختیار کفین دستمزد را دریافت کرده اند . آنها از هرگونه امکان رفاهی محروم بود و همواره در معرض بیخمانه ترین و وحشتناک ترین نوع استثمار قرار داشتند ولی این استثمار شدیدی و از جان ناپه گذاشتن بود و تحمیلی تقهاری و بیخمانه میآرزای آنها را تضعیف نمود بلکه تحت هیچ شرایطی وضعیت موجود را بر نداشت تغییر ناپذیر و ابدی خود نیانگاشته و در فرصتهای مناسب خشم و نفرت طبقاتی خود را نسبت به سرمایه داران خون آشام و بیخمانه حاکم بهشتیان آنان نشان دادند . این گزارش آخرین اعتراضات شکرگنده آنان را تصور میکند . بدنیال مبارزات بزرگ کارگران امیرآباد را و آخر فروردین ماه سال ۱۳۰۰ حد اقل دستمزد روزانه آنان از ۱۰ تا ۲۰ ریال افزایش یافت . روزهای چهارم و پنجم اردیبهشت ماه دو روز فراموش نشدنی معادن امیرآباد - ایام اعتراض جمعی به کمی افزایش حقوق و درخواست دریافت معادل یکماه حقوقی بعنوان پاداش بود . کارگران این واحد به مدت سه روز کار محل چنین التیما نمودند . اما کارگران معادن امیرآباد که در دل کوهها و در این نقطه دور افتاده کار میکنند و در شرف " مالک " میآرزایم و با کار خود به بیخمان خدیت میکنند نباید خود از اعتراضات و حشمان محروم باشیم و در صورتیکه " سیا " افزایش حقوقمان طرف از روزی بوقت نشود دست از کار خواهیم کشید همین التیما نمودیم که مستولان را به توجه به سابقه مبارزاتی کارگران این واحد دچار دستچاکی نمود و ضمن تمایس های مکرر بسا وزارت کار و مالک معادن نفوذ مستمر کارگران ۳ تونل افزایش یافت . ظهر روز اول اعتصاب ، نمایندگان ساواک و اداره کار و فرماندهی وقت از سوی بخش در محل کارگاه حاضر شده و در برخورد با خشم و عصبان پرشور کارگران با حالتی طعنه و محافظه کارانه شروع به نصیحت و " ارشاد " آنان نمودند . " ارشاد " مکرر و سابه کلامی های سرانازان تلخ و مبهیز اما کارگران محکم و قاطع خواسته های مشروع خود را بیان نمیداشتند . اعتصاب کارگران را بیش از پیش بهم نزدیک ساخته و تعطیل کارگاه فرضی بود برای آنان تا نحوه استثمار خود و چپاول بی حساب سرمایه دار معروف را مورد بحث و تبادل نظر قرار دهند . روز دوم هم مقامات مسئول انتظامی پروال روز قبل در اجتماع کارگران حاضر شده و این بار رئیس اداره کار ضمن مخالفت جدی وزارت متبوع با افزایش بیشتر حقوق کارگران با صراحت کامل اعلام داشت که افزایش حقوق شما افزایش حقوق کارگران معادن دیگر آقای مالک را بدنیال خواهد داشت و افزایش حقوق آنان نیز به نوبه خود توقعات کارگران واحد های دیگر را سبب خواهد شد و این امر ترمیم را در این خواهد زد . و این هم غیرقابل قبول است . بنا بر این اعتصاب شما غیرقانونی است . با این رویه ای هم که در قانون کار اصلا پیش بینی نشده شما آقای مالک نیز " فرموده اند " ، هرکس مایل نیست با این حقوق کار کند سلامت ما کارگر کردی عراقی پانده از " کانی برای معادن امیرآباد در نظر خواهیم گرفت " کارگران بار دیگر با رگ و پوست خود بنشینانی بی چون و چرای عمال هیئت خاکه را از سرمایه داران و استثمارگران لیس میگردند و این نکته را حسن ترهای سرد و گرم چشمه به جواترها نجوا میکنند . با لگنه نمائند که این فرمایشات " با نهاد یک های - به سلسله بحثن - و به دریا ریختن " و از ایران ، بوزیر کردن کارگران سرکش همراه بود . اما جنبش خود بخودی کارگران ظریف نقد ان رهبری حزبی هر لحظه اوج می گرفت و بهم آن معرفت که سرمایه داران این مزدوران هیئت خاکه ، سینه های کارگران را هدف گلوله گرم خود قرار دهند . در این هنگام نماینده ساواک منطقه به بند و مظهر لخت از سر بریزد مانند نزن و بچه کارگران گفت و گفتن از آنکه در شان آنان دار صورت تسلیم . بدیدر بقیه صفحه ۳

درد گرم به مبارزانی که در راه احیاء حزب طبقه کارگر تلاش میکنند !